

بررسی نمودهای عرفی شدن دین در سبک زندگی جوانان شهر اصفهان (با تأکید بر نظریه عرفی شدن)

سید علی هاشمیان‌فر، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

مولود هاشمی، کارشناس ارشد علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان*

چکیده

ظهور جامعه مصرفی به واسطه فزونی کالاهای مادی از یک سو و دموکراتیزه شدن مصرف و عمومیت یافتن آن از سوی دیگر، به انتخابی شدن زندگی روزمره می‌انجامد و همین امر نشان دهنده اهمیت روزافزون سبک زندگی در جامعه معاصر است. عامل مذهب نقش مهمی در گزینش سبک زندگی دارد. دین نه تنها مردم را نسبت به برخی از سبک‌های زندگی در قیاس با سبک‌های زندگی دیگر ترغیب می‌نماید، بلکه می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کنترل فرهنگ مصرفی و سبک‌های زندگی مصرفی داشته باشد. در جامعه ایران علاوه بر دینداری، متغیر عرفی شدن نیز بسیار حائز اهمیت است، چرا که افراد به ویژه جوانان، متأثر از فرآیند نواندیشی و نوگرایی هستند و به برداشت‌های شخصی از دین در رفتارشان استناد می‌کنند. در این مقاله با استفاده از نظریه عرفی شدن شجاعی زند، به بررسی نمودهای عرفی شدن دین در سبک زندگی جوانان شهر اصفهان می‌پردازیم. این مطالعه از نظر کنترل شرایط پژوهش یک بررسی پیمایشی، از نظر وسعت، پهنانگر و از نظر زمانی، مقطعی و نمونه‌گیری آن سهمیه‌ای چند مرحله‌ای است که بر اساس فرمول کوکران، ۳۸۵ نفر هستند. نتایج حاصل از آزمون چند متغیره نشان داد که متغیرهای مستقل ۳۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند که بر اساس اولویت عبارتند از: تغایر نقش‌ها، فردگرایی و تغییر ارزش‌ها.

واژه‌های کلیدی: جوان، دین، سبک زندگی، عرفی شدن، فردگرایی، معنویت‌های زندگی، هویت اجتماعی

مقدمه

گسترش پایه‌های اقتصادی- اجتماعی دولت رفاه پس از جنگ جهانی دوم سبب متنوع شدن شیوه‌های زندگی افراد شد؛ بدین معنا که هر فرد و گروه اجتماعی می‌توانست از طریق تنوعی که در انتخاب محل زندگی، آرایش، پوشاک خود، سلیقه‌های هنری و زیبا شناختی، انتخاب سرگرمی و نحوه‌گذران اوقات فراغت و حتی شیوه‌های عملی و اخلاقی خویش در جامعه پیش می‌گیرد، خود را از دیگران متمایز سازد (گینز، ۱۳۸۱ و گیدنز، ۱۳۸۳).

سبک زندگی، نقطه تلاقی ساخت و کنش است، چرا که سبک زندگی از یک طرف انتخابی است و به قدرت انتخاب کنشگران مربوط می‌شود و از طرف دیگر، ساختارها در این انتخاب تأثیر دارند. سبک زندگی نتیجه همه انتخاب‌ها و گزینش‌هایی است که فرد نسبت به خود انجام می‌دهد. سبک زندگی اغلب بیانگرانه است؛ بدین معنا که فرد خود را از طریق سبک زندگی به جهان پیرامون خود معرفی می‌کند. سبک زندگی امکان تعامل جوانان با شرایط ساختار اجتماعی را فراهم می‌سازد و انطباق با ساختار و یا دگرگونی آن، نتیجه این سبک‌های زندگی است. بدین ترتیب، واقعیت تجربه همزمان آزادی و محدودیت اجتماعی به خوبی در مفهوم سبک زندگی متجلی است (ذکائی، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

وضع سبک‌های زندگی در ایران، قرینه‌ای برای تحول و تغییر است. گویی سبک‌های زندگی جدید از مدرنیزاسیون اجتماعی خبر می‌دهد. تنوع در سبک‌های زندگی تحولی در ناخودآگاه جمعی است. به هر حال، سبک‌های جدید در حال گسترش است و در این میان، لحاظ این مطلب به عنوان «یک مسأله» می‌تواند آن را تحلیل و در تحلیل کلی‌تر لحاظ نماید. مسأله در مثبت و یا منفی دیدن صرف این وضع نیست، بلکه در دیدن آن به عنوان یک

واقعیت است.

عامل مذهب نقش مهمی در گزینش سبک زندگی دارد. دین نه تنها مردم را نسبت به برخی از سبک‌های زندگی در قیاس با سبک‌های زندگی دیگر ترغیب می‌نماید، بلکه می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کنترل فرهنگ مصرفی و سبک‌های زندگی مصرفی داشته باشد (باکاک، ۱۳۸۱: ۱۷۷). تأثیر دین بر سبک زندگی اگر چه در زمینه‌های اجتماعی گوناگون تغییر می‌پذیرد، اما ارزش جامعه شناختی زیادی دارد. این نتیجه در کشورهایی به دست آمده که دین در عرصه عمومی به شدت تضعیف شده است. ادیان به دلیل عرصه انبوهی از ارزش‌های متافیزیکی و اخلاقی و همچنین ارائه ردیفی از رفتارهای سنتی که می‌توانند عناصر سازنده سبک زندگی باشند، قادرند نقش فعالی در ایجاد کردن یا تغییر دادن سبک‌های زندگی ایفا کنند.

یکی از مجادلات رایج در حاشیه موضوع دین در جهان معاصر، پرداختن به مسأله سکولاریزاسیون و بیان تقابل آن با دین است. «کارل دابلر» عرفی شدن را در سه عرصه دینی، فردی و اجتماعی بررسی می‌کند که در هر سطح، معنای خاص خود را دارد. به زعم او، در سطح دینی، سکولاریسم عبارت است از تغییر و تحول درون دینی که به هر چه دنیوی‌تر شدن دین می‌انجامد. در سطح فردی عبارت است از کاهش در تضمن و التزام دینی فرد؛ و در سطح اجتماعی عبارت است از لائیک شدن در سطح کلان اجتماعی که موجب تفکیک و تمایز ساختاری و عملکردهای نهادها می‌شود (شجاعی زند، ۱۳۸۰: ۱۴۴).

عرفی شدن نه پدیده حتمی است و نه کاملاً منتفی؛ بلکه فرآیندی محتمل برای همه ادیان، همه افراد و همه جوامع است. برخی اندیشمندان معتقدند عرفی شدن در درجه نخست متأثر از کارآمدی یا عدم کارآمدی کلی یا بخشی از نظام‌های ایدئولوژیک

کتز- جیرو^۱ (1998) نشان داده است که در آلمان، فلسطین اشغالی و ایتالیا هر قدر که افراد دیندارتر هستند، کمتر در فعالیت و مصرف فرهنگی متعالی شرکت می‌کنند، اما در امریکا و سوئد کاملاً برعکس است. وی مطالعه خود را در فلسطین اشغالی به صورت جدی تکرار کرد و نتیجه می‌گیرد که تفاوت کاملاً معناداری میان سبک زندگی افراد دیندار و افراد دارای گرایش های سکولاریستی وجود دارد (Katz-Gerro & Shavit, 1998:737).

فیل زاگرن معتقد است درست همان طور که محیط اجتماعی^۲ فرهنگی بر دین تأثیر می‌گذارد، بر همان وجه نیز دین بر محیط اجتماعی^۲ فرهنگی تأثیر می‌گذارد. دین نقشی قاطع در تعیین هنجارهای جنسیتی، بساختن روابط جنسی، تحت تأثیر قرار دادن بحث و جدل‌های سیاسی، پیشبرد یا مانع تراشی برای پدیده‌های اقتصادی، تأثیرگذاری بر امور نژادی، کمک به حفظ محیط زیست و تأثیرگذاری بر رسانه‌های همگانی، ساختارهای خانواده، پیشرفت‌های تکنولوژیک و جنبش‌های هنری دارد (زاگرن، ۱۳۸۴:۱۷۵).

محمود شهبانی در سال ۱۳۷۷ با استفاده از روش کیفی و با استفاده از مفهوم تیپ ایده آل وبری، یک سنخ‌شناسی از سبک‌های زندگی جوانان ایرانی ارائه کرد. ایشان سبک زندگی جوانان را شامل سبک زندگی هم‌نوایانه یا متعارف، سبک زندگی جهان‌وطنانه و سبک زندگی بسیجی می‌دانند.

الف) سبک زندگی هم‌نوایانه یا متعارف: در این گروه سبک زندگی، جوانان ایرانی کم و بیش اکثر مفاهیم و عناصر مطرح شده در برنامه‌های جامعه‌پذیری را درونی می‌کنند. چه برنامه‌هایی که به صورت جامعه‌پذیری غیرعلنی و غیر آشکار در

حاکم بر جوامع است که دعوی بس بزرگی را مطرح می‌کند و ثانیاً تابع الگوی توسعه‌ای است که برای مدیریت جوامع برگزیده می‌گردد. بنابراین ناکارآمدی و الگوی نامناسب توسعه، اصلی‌ترین عوامل عرفی شدن این جوامع از جمله ایران است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۵:۹۰).

مقاله حاضر که درآمد و مدخلی کوتاه بر نمودهای عرفی شدن دین در سبک زندگی جوانان است، در حد توان درصدد شناخت این پدیده و مناظر متعدد در این راستاست و سعی دارد تا از نگاهی آکادمیک به این موضوع و به ویژه عوامل مؤثر بر آن بپردازد.

پیشینه تحقیق

آنچه رونق مطالعه روابط میان دین و سبک زندگی^۲ به ویژه در آمریکای پس از جنگ جهانی دوم- را سبب شد، از یک سو کاهش اهمیت مفهوم طبقه و جایگزینی تدریجی و نسبی اصطلاح سبک زندگی در مطالعه قشربندی اجتماعی بود؛ و از سوی دیگر، کاهش اهمیت عامل قومیت در تعیین هویت فردی آمریکاییان^۲ در پی جانشینی نسل دوم و سوم مهاجران در ترکیب جمعیتی به جای نسل اول- موقعیتی را فراهم کرد که وابستگی‌های دینی نقش مهمی در برپایی شأن و منزلت ایشان و سبک زندگی ناشی از آن فراهم کند.

اولین مطالعه جامعه‌شناختی جدی درباره تأثیر دین بر سبک زندگی، پژوهش وبر درباره اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری است. چنانکه وبر کالونیسیم را توصیف می‌کند، می‌توان آن را یک سبک زندگی خواند؛ که در محدود کردن مصرف به واسطه ارزش‌های اخلاقی و دینی مؤثر بود (فاضلی، ۱۳۸۲:۱۰۳).

¹ Katz-Gerro
² conventional

مخالف، تأثیرپذیری از جریان‌های جهانی مصرفی و ... شناخته شده است.

محمد سعید مهدوی کنی بیان می‌کند که بررسی‌ها نشان دهنده آن بود که یکی از مهمترین چالش‌هایی که ادیان در جهان معاصر با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، تعامل با تحولات سریع فرهنگی - اجتماعی است، به خصوص آنچه نوگرایی و دستاوردهای آن خوانده می‌شود. او در تحقیقی با عنوان «دین و سبک زندگی» درصدد بود که در حد امکان و در محدوده انتخابی، روشن کند اولاً چگونه دین در شرایط‌گذار یک جامعه سنتی؛ جامعه نوین را باز تولید می‌کند و ثانیاً جایگاه دین در فرآیند شکل‌گیری باورها، گرایش‌ها و تمایلات فردی از یک سو و کشش‌ها، روابط، هنجارها، نهادها و ساختارهای اجتماعی از سوی دیگر چگونه است.

چارچوب نظری

در حوزه جامعه‌شناسی دین، نظریه‌پردازان متعددی وجود دارند که فرآیند عرفی شدن را به عنوان موضوع مورد بررسی انتخاب کرده و بینش‌های نظری خود را در باب علل، بسترهای وقوع، ابعاد این پدیده و پیامدهای آن را ارائه داده‌اند. در حالی که نظریه‌پردازان کلاسیک مانند دورکیم، مارکس و وبر بصیرت‌های کلی را در باب افول نقش دین در عرصه اجتماع بیان کرده‌اند، در میان نسل دوم جامعه‌شناسان دین، «پارسونز»، از جمله اصلی‌ترین جامعه‌شناسانی است که مدعای او درباره فرآیند خصوصی شدن دین، یکی از مهمترین نظریه‌های عرفی شدن به شمار می‌رود. شجاعی زند برای ارائه دسته‌بندی شفاف، جامع و قابل درکی از نظریه‌ها و برداشت‌های موجود در باب عرفی شدن، مدلی را در قالب یک جدول دو متغیره ارائه کرده است: (شجاعی‌زند، ۱۳۸۱: ۱۰۲)

خانواده در معرض آنها قرار می‌گیرند و چه برنامه‌هایی که به صورت آشکار از طریق سایر کارگزاران جامعه‌پذیر (مدرسه و رسانه‌ها و...) به آنها عرضه می‌شود. آنها دوره جوانی خود را بدون تعلق به خرده فرهنگ‌های جوانان سپری می‌کنند.

ب) سبک زندگی جهان و طنانه: علی‌رغم تلاش دست اندرکاران امور جوانان در جهت پرورش فرزندان انقلاب بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی، بخش نسبتاً قابل ملاحظه‌ای از جوانان ایرانی تعریف دیگری از بهنجاری و «زندگی خوب» دارند. اگر در میان جوانان «متعارف» و جوانان «بسیجی» پذیرش ارضای معوق به خاطر برخورداری از آینده‌ای بهتر رهیافت ارزشی اصلی محسوب می‌شود، در میان جوانان متعلق به خرده فرهنگ ارضای آنی یا لذت طلبی لحظه‌ای، جست و جوی غیر مسئولانه لذت و هوس اجتماعی و مدگرایی و ماجراجویی، رهیافت ارزشی اصلی به شمار می‌آید.

ج) سبک زندگی بسیجی: این سبک زندگی اگر چه وجوه مشترک زیادی با سبک زندگی متعارف دارد، اما به دلیل سازمان یافتگی و رابطه اعضای آن با نظام و نحوه برخورد با جوانان جهان وطن، از آن مقوله قابل تفکیک هستند.

آزاد ارمکی و شالچی در مقاله‌ای با عنوان «دو جهان ایرانی: مسجد و کافی شاپ» به بررسی تطبیقی دو سبک زندگی اصول‌گرایی انقلابی و پسامدرن در میان جوانان منطقه ۳ تهران می‌پردازند. نفی مصرف‌گرایی غربی، دوری از نشانه‌های هویت غربی و مدرن، تأکید بر ارزش‌های اسلامی با برداشت فقاهتی، اجتناب از روابط با نامحرم و دوری از مدگرایی، از جمله ویژگی‌های سبک زندگی اصول‌گرایی انقلابی است. در مقابل، در میان اقشار مرفه‌تر شیوه زندگی مختلفی شکل گرفته است که با ویژگی‌هایی، چون مدگرایی، گسترش ارتباط با جنس

جدول ۱- مهمترین نظریه‌های عرفی شدن

دین	فرد	جامعه
عوامل	اثر تکثرگرایی دینی بر عرفی شدن (هانتینگتون)	اثر تمایز یافتگی ساختی بر عرفی شدن (ویلسون)،
فرآیند	اثر پیورتینیسیم بر دنیوی شدن مسیحیت (رابرتسون)	اثر عقلانیت بر عرفی شدن جامعه (مک گویر)
	تحول پنج مرحله‌ای دین (بلا)	فرآیند جدا شدن سپهر عرفی از سپهر دینی (لخنز)،
	یک سویگی فرآیند (هاموند)	تشکل مجدد دینداران (برگر)
	مسیحیت نوین (سیمون)	واژگونی فرآیند (مارتین)
پیامد	الهیات فرآیندی (رابرتس)	خود محدودکنندگی فرآیند (ویلسون)
	خصوصی شدن دین (پارسونز)	مرگ تدریجی دین در نظام
	کاهش عضویت و حضور کلیسایی	سرمایه‌داری (جیسمون)
	شخصی شدن خدا (یونگ)	(برایرلی وریث)

در تبیین خود، انواع گسترده‌ای از متغیرها را تلفیق می‌کند؛ از جمله قدرت اقلیت‌های مذهبی و پراکندگی جغرافیایی آنها، رابطه میان گروه‌بندی‌های مذهبی و نخبگان حاکم و خصلت ذاتی سنت‌های گوناگون مذهبی.

استارک و بین بریج (۱۹۸۵ و ۱۹۸۰) درباره مسأله اهمیت دوام دنیاگرایی و احیای دین، استدلال کرده‌اند که دنیاگرایی فراگرد خود محدودکننده‌ای است، به همین جهت، نکته تازه‌ای را نمی‌توان در نظر آنها پیدا کرد. این فراگرد بخشی از چرخه‌ای معمول جنبش مذهبی است. استارک و بین بریج با آنکه این واقعیت را قبول دارند که رشد علم، دنیاگرایی شدید، سریع و بی‌سابقه‌ای را به دنبال می‌آورد، اما می‌گویند که علم نمی‌تواند نیازها و آرزوهای اساسی بشر را برآورده سازد. علم نمی‌تواند همه رنج‌ها و بی‌عدالتی‌ها را در این جهان از میان بردارد و برای نابودی فردی نمی‌تواند راه‌گیزی را ارائه کند و بالاخره علم قادر نیست که وجود بشر را معنی‌دار سازد. از نظر مردم، تنها خداوند است که

در یک جمع بندی، از مهمترین عللی که نظریه پردازان غربی در تبیین فرآیند عرفی شدن بدان اشاره کرده‌اند، می‌توان به علل برشمرده شده از سوی «ویللم»^۱ اشاره کرد. وی پنج دسته از عوامل مؤثر بر وقوع این فرآیند را مورد بحث قرار می‌دهد که عبارتند از: تمایز بی‌ساختی جوامع، عقلانی شدن، تکثریابی و نسبیت، رشد فردیت و جهانی شدن (ویللم، ۱۳۷۷: ۱۵۰).

الگوهای سکولاریسم (دنیاگرایی)

الگوهای دنیاگرایی در جوامع گوناگون بشری الگویی سراسر است یا همگون نبوده است. فراگرد دنیاگرایی به شدت تحت تأثیر زمینه اجتماعی یا تاریخ مذهبی یک کشور عمل می‌کند.

دیوید مارتین (۱۹۷۸) که بیشترین توجه را به الگوهای گوناگون دنیاگرایی نشان داده است، گرچه تحلیل خود را اساساً بر مبنای درجه تکثرگرایی مذهبی یا انحصار مذهبی در جامعه قرار می‌دهد، اما

¹ Wilm

می‌تواند چنین کارهایی را انجام دهد. از همین روی، دین نه تنها پا برجای خواهد ماند و دوباره چیرگی خواهد یافت، بلکه صورت متعالی و فراطبیعی‌اش را نیز همچنان حفظ خواهد کرد.

استارک و بین بریج، نشانه‌های دوام اهمیت اساسی دین و احتمال نیرو گرفتن دوباره آن را در این واقعیت یافته‌اند که آنهایی که در بررسی‌های اجتماعی وابستگی یا اعتقاد مذهبی از خود نشان نمی‌دهند، به احتمال زیاد نوعی علاقه به فراطبیعت‌گرایی غیر سنتی یا حاشیه‌ای مانند طالع‌بینی، یوگا و مراقبه متعالی را می‌پذیرند و نشان می‌دهند (همان: ۳۰).

لاکمن (۱۹۶۷) نیز می‌گوید که ویژگی جوامع معاصر بی‌نیازی به نظام‌های فراگیر ارزشی است، زیرا آنها به مشروعیت مذهبی نیاز ندارند. دین به جنبه‌ای از زندگی خصوصی تبدیل می‌شود و به گزینش فردی از میان انواع گزینه‌ها ارتباط پیدا می‌کند؛ گزینه‌هایی که می‌توان آنها را به یک نظام ارضای شخص تبدیل کرد.

فین در بحث مفصل خود درباره فراگرد دنیاگرایی (۱۹۷۸، ۱۹۷۲ و ۱۹۸۱)، بر همین کمبود ارزش‌های فراگیر و ضرورت وجود آنها برای تلفیق نظام‌های نوین اجتماعی تأکید می‌ورزد. ریشه‌های کار فین را باید در برخورد او با نظر کارکردگرایان دین جستجو کرد؛ همان نظری که دین را عامل اساسی مشروعیت و انسجام جامعه می‌داند. فین فراگرد دنیاگرایی را بر حسب مرز میان مقدس و نامقدس در جامعه، مورد بحث قرار می‌دهد. به نظر او، این مرز همان چیزی است که گروه‌ها، جمع‌ها، سازمان‌ها و افراد گوناگون می‌گذرانند تا مقاصد گوناگون و خاص خودشان را تعیین کنند. پس، دنیاگرایی فراگردی از نبرد، مناقشه، کشمکش یا مذاکره است

که طی آن، کنشگران اجتماعی می‌کوشند داعیه‌ها و نظرهای خاص خودشان را درباره واقعیت بیان کنند. این فراگرد، فراگردی خود به خودی و تکاملی نیست. فراگرد دنیاگرایی، فراگردی پیچیده و تناقض‌آمیز است که در هر مرحله ممکن است آمادگی پذیرش گرایش تعارض‌آمیز را داشته باشد. به همین دلایل، این فراگرد برگشت‌پذیر است.

نظریه سکولاریزاسیون

«پیتر برگر» با عنوان «سکولاریزاسیون»^۱ فرآیندی را ترسیم می‌کند که نه تنها به عرفی شدن نهادهای اجتماعی و اقتصادی، بلکه به عرفی شدن خود نهاد دین نیز می‌انجامد. تعریف «برگر» از عرفی شدن مشابه تعریف «ویلسون» از آن است؛ فرآیندی که طی آن بخش‌هایی از جامعه و فرهنگ از سلطه نمادها و نهاد دین خارج می‌شود.

برگر، به عرفی شدن دین هم در سطح اجتماعی - ساختاری (عرفی شدن عینی^۲) و هم در سطح ذهنی (عرفی شدن ذهنی^۳) قائل است. به نظر او، در نتیجه این فرآیند، نه تنها دین از حوزه اجتماع خارج می‌شود و نفوذ اجتماعی خود را در سایر نهادها، از جمله اقتصاد، دولت و آموزش از دست می‌دهد، بلکه حتی کاهش مقبولیت (موجه‌نمایی^۴) تعاریف دینی از واقعیت در حوزه اجتماع به حوزه عرفی شدن ذهنی می‌انجامد. به بیان «برگر» عرفی شدن ذهنی به این معنی است که «هر روز شمار بیشتری از انسان‌ها به گونه‌ای پرورش می‌یابند که در جهان و زندگی روزمره بدون بهره‌گیری از تفسیرهای دینی گذر می‌کنند» (برگر، ۱۹۶۷: ۱۰۸). این نوع عرفی شدن به

^۱ Secularization

^۲ Objective Secularization

^۳ Subjective Secularization

^۴ Plausibility

گونه‌ای سازماندهی کنند که بتوانند خیل مصرف‌کنندگان را به سمت کالاهای خود جلب کنند (همان: ۱۳۸).

دابلر و ابعاد عرفی شدن

از نظر کارل دابلر^۳ (۱۹۹۱) عرفی شدن سه بعد دارد:

بعد جامعه: به عرفی شدن در سطح کلان اجتماعی توجه می‌کند؛ فرآیندی که به تفکیک ساختاری و عملکردی نهادها و مؤسسه‌ها مربوط می‌شود.

عرفی شدن درون خود دین: به تغییر و تحول دینی که به تحولات ایجاد شده در عوالم دینی، به ویژه تمایل آنها به دنیوی شدن مربوط می‌شود.

بعد فردی: به تضمین و التزام دینی شخصی مربوط به رفتار فردی مربوط می‌شود و میزان همبستگی افراد با گروه‌های دینی را نشان می‌دهد.

دابلر همچنین بر ضرورت تفکیک بین سطوح تحلیل تأکید می‌کند: سطح کلان یا اجتماعی، سطح میانه یا خرده سیستم‌ها و سطح خرد یا فردی. دابلر «تفکیک نهادی» (لوکمان، ۱۹۶۷)، «استقلال و خودمختاری» (برگر ۱۹۶۷؛ ویلسن ۱۹۶۹)، «عقلانی شدن» (برگر ۱۹۶۷؛ ویلسن ۱۹۸۲)، «جامعه‌ای شدن» (ویلسون ۱۹۷۶)، «افسون‌زدایی از جهان» (وبر ۱۹۲۰؛ برگر ۱۹۶۷)، «خصوصی شدن» (برگر ۱۹۶۷؛ لوکمان ۱۹۶۷) و «عمومی شدن» (بلا ۱۹۹۱؛ پارسنز ۱۹۹۷) را در سطوح کلان و پایگاه مربوط به جامعه قرار می‌دهد.

دابلر در سطح میانه که سطح مربوط به خرده سیستم‌هاست، به عرفی شدن خود دین می‌پردازد و مفاهیمی چون «تعددیابی» و «متکثر شدن» (مارتین

شکل کاهش مضامین مذهبی در هنر، فلسفه و ادبیات و به ویژه در رشد علم به عنوان دیدگاهی کاملاً مستقل از دین و به کلی عرفی متجلی می‌شود.

از نظر «برگر» فرآیند عقلانی شدن - که پیش شرط تمامی جوامع مدرن صنعتی است - عامل اصلی عرفی شدن است. این فرآیند به فروپاشی موجه‌نمایی (اعتبار) تعاریف دینی از واقعیت منجر می‌شود. وی این معضل را «بحران اعتبار»^۱ می‌نامد. برای فهم نظرات «برگر» توجه به این نکته ضروری است که از نظر وی دین دارای «واقعیت اجتماعی» است؛ یعنی از آن رو واقعی است که پذیرش اجتماعی و عام دارد و با اشاعه فرآیند عرفی شدن، دین فاقد واقعیت اجتماعی است؛ یعنی بر خلاف گذشته قادر به ساختن دنیایی مشترک که تمامی حیات اجتماعی معنای نهایی خود را از آن می‌گرفت، نیست و نکته مهمتر آن که دیگر پذیرش چنین معناهایی برای کلیه افراد الزامی نیست. در واقع، دینداری به حوزه و قلمرو شخصی و کاملاً متمایز از جامعه عرفی^۲ محدود می‌شود. از سوی دیگر، عرفی شدن که ملازم از دست دادن «عمومیت» و یا «واقعیت اجتماعی» است، در نهایت به وضعیتی متکثر منجر می‌شود.

در وضعیت متکثر که از نظر «برگر» ویژگی کلیدی جوامع مدرن محسوب می‌شود، ادیان و مذاهب به حال خود رها می‌شوند تا از پیروی داوطلبانه مراجعانشان برخوردار شوند. در این وضعیت هیچ یک از ادیان نمی‌توانند برخلاف گذشته وفاداری مراجعه‌کنندگان را مسلم فرض کنند. «برگر» منطق حاکم بر فعالیت‌های مذهبی در این شرایط را شبیه منطق حاکم در «اقتصاد بازار آزاد» می‌داند. در واقع نهادهای مذهبی باید خود را به

³ Karil Bobbelaere

⁴ Lukman

⁵ Wilson

¹ Crisis of Credibility

² Secular

در نهایت، سطح خرد عبارت است از: فردی شدن^۳، بی‌اعتقادی، سقوط دینداری کلیسایی، بی‌کلیسا شدن افراد و مشارکت اندک اعضا در فعالیت‌های کلیسایی. فردی شدن دین به معنای این است که دین بخشی از «حوزه خصوصی» می‌گردد. به تعبیر رابرت بلا، کلیسا جماعتی محلی و «اجتماعی عاشقانه و به هم پیوسته» است؛ اجتماع عاشقانه‌ای که در آن افراد می‌توانند لذت تعلق داشتن به آن را حس کنند.

مسیرهای محتمل عرفی شدن ایران در سطح خرد

عوامل فردی تأثیرگذار بر فرآیند عرفی شدن، تحت تأثیر عوامل اجتماعی سطح کلان و میانه و عوامل ناشی از دین است. با وجود این، پس از شکل‌گیری، خود نیز به مثابه عاملی مستقل، اثری تشدید کننده بر این فرآیند دارد. ما آنها را در سه دسته «تغییر ارزش‌ها»، «تغایر نقش‌ها» و «نقض فردیت دینی» بررسی می‌کنیم:

۱. تغییر ارزش‌ها: آنچه معمولاً از آن به تغییرات ارزشی در جوامع یاد می‌شود؛ چیزی نیست جز تغییر در اولویت‌های ارزشی و عوض شدن ترتیب تأثیرگذار ارزش‌ها نسبت به هم در بین افراد جامعه؛ همان ترتیب و ترتبی که از آن به نظام ارزشی تعبیر شده است. ارزش‌ها با تمام تنوع موضوعی و تکثرشان در مصادیق، از پنج دسته بیرون نیستند و نظام‌های ارزشی نیز با تمام تفاوت‌هایشان، چیزی جز ترتیبیاتی مختلف از همین پنج دسته نیستند. میزات این پنج نوع ارزش اولاً در «مبنا»؛ ثانیاً در «معیار» ارزش‌گذاری و ثالثاً در «دایره توافق» بر سر آنهاست. جدول زیر ارزش‌های پنجگانه را از این سه حیث متمایز ساخته است:

(۱۹۷۸)، «نسبی شدن» (برگر ۱۹۶۷) و «این جهانی شدن» (لوکمان ۱۹۹۰) را در آن جای می‌دهد و سرانجام مفاهیمی چون «فردی شدن» (بلا^۱ ۱۹۸۵)، «بی‌اعتقادی» (برگر ۱۹۶۷) و «افول دینداری کلیسایی» (مارتین^۲ ۱۹۷۸) را در سطح خرد قرار می‌دهد (دابلر، ۱۹۹۱: ۲۳۰).

عمدتاً در تحلیل کلان و در سطح جامعه، عرفی شدن با تفکیک جامعه به دو بخش حوزه عمومی و حوزه خصوصی تبیین می‌گردد. دابلر به این تفکیک، حداقل از دو بعد انتقاد می‌کند: اول آن که این نوع تفکیک و تقسیم‌بندی، عرفی شدن را تنها به حوزه عمومی محدود می‌کند و مواردی از قبیل خانواده را که در حوزه خصوصی قرار می‌گیرند، مورد توجه قرار نمی‌دهد، در حالی که بخشی از حیات خانوادگی نیز عرفی می‌شود. دوم آن که اساساً این تفکیک، مفهومی ایدئولوژیک است که به وسیله لیبرال‌ها و سوسیالیست‌ها در قرن نوزدهم برای تفکیک کارکردی حقوقی و خودمختاری نهادهای عرفی استفاده شده است.

در سطح میانه، تعددیابی و تکثر در بازار دینی ظاهر می‌شود؛ بازاری مبتنی بر رقابت و وضعیت کثرت‌گرایانه که موجد بحران «مقبولیت و اعتبار» برای ادیان می‌شود. ظهور جنبش‌های دینی جدید با فرآیند عرفی شدن درون دینی ارتباط دارد. در واقع، عرفی شدن درون دینی از سنت دینی قطب و انحصارزدایی می‌کند و با این «قطب‌زدایی» زمینه برای موقعیت کثرت‌گرایانه فراهم می‌شود. وضعیت کثرت‌گرایانه وضعیتی است که در آن به واسطه انحصارزدایی دینی، دیگر وفاداری مشتریان از قبل تضمین نمی‌شود.

¹ Bela

² Martin

³ Individualization

جدول ۲- نظام ارزش‌ها در اسلام

ترتیب	مبنا	معیار	دایره توافق
اول	حقیقت‌شناسی	درست / غلط	بشریت، شامل تمام انسان‌های واجد قوه دراکه
دوم	نیکویی‌شناسی	خوب / بد	اجماع کثیری از انسان‌ها
سوم	زیبایی‌شناسی	زیبا / زشت	اجماع کوچکتري از انسان‌های هم‌ذوق و سلیقه
چهارم	منفعت طلبی	سود / زیان	اجماع افراد هم منفعت، منتهی به فرد انسانی
پنجم	لذت‌جویی	خوشی / ناخوشی	فرد انسانی

کارهای متعدد و پذیرفتن نقش‌هایی بس متفاوت ناگزیر ساخته است، مع الوصف از آن رو که وجودی واحد است و هیچ حیث آن در هیچ لحظه‌ای از او فارغ نمی‌گردد، فرقی با گذشته خود نکرده است و نمی‌توان آن را عذری برای چند پاره شدن انسان در دنیای جدید شمرد. دینداری به خلاف برخی از برداشت‌های عرفی‌گرا (محمدی، ۱۳۷۷: ۵۷)، نقش نیست تا در فرآیندی عرفی شدن ناشی از تمایزیابی، از دیگر نقش‌های اجتماعی فرد متمایز گردد، بلکه روح و جوهره تمام نقش‌هایی است که شخص در حیات فردی و اجتماعی خویش، صرف نظر از ساخت‌های ساده یا پیچیده به عهده می‌گیرد.

تلاش انسان دینی، هماهنگ نمودن مقاصد و متلائم سازی نقش‌هاست، بی‌آنکه ساز و کار و مقتضیات جاری در آنها را نقض کند یا نادیده انگارد و البته، سپردن حکم نهایی به اهداف و هنجارهای والاتر در هنگامه بروز مغایرت‌های احتمالی میان آنهاست.

عرفی شدن اما از دو طریق بر این ساختار اثر می‌گذارد: نخست از طریق تشدید تمایز تا رسیدن به مرز تغایر و تقابل میان نقش‌ها؛ دوم از طریق تجویز نسخه‌های مغایر در صورت دهی به بافت هنجاری و نظام معنایی آنها. عرفی شدن ایران در این

آنچه نظام ارزشی سازگار با آموزه‌های اسلامی را می‌سازد، اولاً اعتقاد به اولویت و ترتیبی است که در جدول فوق آمده است و ثانیاً لزوم سریان از بالا به پایین و تبعیت مادون از مافوق است. به رغم ممتازی بودن ملاک‌ها بر اساس اعتقادات اسلامی، انفکاک عرصه‌ها و تفاوت ملاک‌ها هیچ‌گاه نمی‌تواند چندان باشد که مثلاً در عرصه مبادله منافع یا کسب لذت بتوان از ملاحظه ارزش‌های حقیقت‌شناسانه یا نیکویی‌شناختی به کلی چشم پوشید؛ بلکه عرصه‌های مادون با فرض قبول ساز و کارهای متفاوتشان همواره به نحوی در سایه نظارت و کنترل ارزش‌های مافوق خویش قرار دارند و ناگزیر به رعایت حداقل شرط عدم تغایر با آنها هستند.

آنچه در فرآیند عرفی شدن رخ می‌دهد، اولاً استقلال بخشی تام به این عرصه‌هاست که دابلر از آن به «چند مرجعی شدن» و «چندپاره شدن» ارزش‌ها یاد کرده است و ثانیاً بر هم زدن ترتیب و ترتب آنها به گونه‌ای که گاهی به واژگونی کامل آن انجامد و سرانجام کوچک‌سازی دایره وفاق از طریق نسبی‌سازی ارزش‌هایی که اطلاق و شمولیت بیشتری دارند (کوزر، ۱۳۷۰: ۳۰۰).

۲. تغایر نقش‌ها: با اینکه پیچیده شدن ساخت و مناسبات اجتماعی، انسان معاصر را به اشتغال به

سطوح و تحت تأثیر این عوامل، کمتر فحوای معرفتی و مسیر ایدئولوژیک دارد، بلکه بیشتر کاربردی است و برخاسته از اقتضائات عمل و لذا باید آن را عرفی شدن عملی که اتفاقاً گستره وسیعتری هم دارد و با سهولت بیشتری به زندگی روزمره وارد می‌شود، نامید. وضعیتی که امروزه تحت تأثیر الگوهای توسعه تقلیدی در ایران و در بسیاری از جوامع دیگر پدید آمده است، فرد را به رغم باور و اعتقاداتش عملاً به تجدید نظر در نظام ارزشی و هنجارهای نقشی خویش وادار می‌سازد و همورا در گام‌های بعدی به عاملی مؤثر در تشدید این فرآیند بدل می‌نماید. اختلاف بارز میان نظر و عمل، میان عقیده و سلوک و میان آنچه فرد راغب است باشد و آنچه عملاً شده است، تماماً بر تقدم تأثیرات ساختاری در فرآیندهای عرفی شدن صحه می‌گذارد؛ اما چون هیچ فردی نمی‌تواند مدت مدیدی را با این تغایرات به سر برد، در صورت استمرار لاجرم به ثوریزه کردن واقعیت و وضع و موقعیت خود در آن می‌پردازد و صورت موجهی برای آن می‌تراشد و لذا به تبع عرفی شدن عملی، به لحاظ نگرش و گرایش نیز عرفی خواهد شد (برگراها و کلنر، ۱۳۸۰: ۱۱۷).

۳. نقض فردیت دینی: از «فرد» و مفاهیم منشعب و مأخوذ از آن، تعابیر و تفاسیر مختلفی شده است. ادیان، بویژه ادیان تاریخی در تلقی شایع، زائل کننده فردیت، روح انتخابگری و استقلال عمل فردی هستند و در مقابل، لیبرالیسم، سکولاریسم، مدرنیته و به طور کلی دنیای جدید به علت افکندن تردید در قدرت‌های ماورایی و چالش با نهادها و مرجعیت‌های دینی و کنار نهادن جامعه‌گرایی‌های ایدئولوژیک، زمینه ساز رشد و بلوغ فردیت بوده‌اند.

دابلر (۱۹۹۱) با همین تلقی، ضمن تفکیک میان

«فردگرایی منفعت محور»^۱ و «فردگرایی بیانگر»^۲ مدعی است میان دینداری و فردگرایی نوع دوم، هبستگی منفی وجود دارد؛ یعنی هر چه از میزان دینی بودن فرد کاسته می‌شود، بر فردیت بیانگر او افزوده می‌شود. ترنر نیز که به ریشه‌های دو گانه فردگرایی در بدبینی ریاضت‌گرایانه کالونیستی و خوش‌بینی عقل‌گرایانه روشنگری اذعان دارد و حتی سهم اولی را بیش از دومی ارزیابی می‌کند، معتقد است که فردگرایی بیش از دین، با عرفی شدن سازگار است (ترنر، ۱۹۹۱: ۱۷۱).

فردیت جاری در ادیان با آنچه در نحله‌های مشهور به فردگرایی دیده می‌شود، تفاوت اساسی دارد. بر حسب آموزه‌ها، این فردیت نه برخاسته از منفعت‌جویی و نه منتهی به آن است و لذا نه در تقابل با دگرخواهی و اخلاق دینی است و نه به رقابت و ستیز بر سر قدرت‌ها و حقوق منجر می‌گردد. پس مسیر و مجرای دیگر عرفی شدن در سطح خرد، اولاً «افول فردیت دینی» است؛ بدین طریق که دینداری‌های ناشی از فشارهای اجتماعی، اعم از رسمی و غیررسمی را که عمدتاً در ابعاد شریعتی و مناسکی و پای‌بندی‌های ظاهری تجلی پیدا می‌کند، به حساب تدبیر افراد بگذاریم و اهتمام و انگیزه‌های دینی را تماماً بدان سو سوق دهیم. این ورطه‌ای است که نوعاً دام‌نگیر حکومت‌های دینی ظاهرگرا می‌گردد و تلاش برای بسترسازی و آفت‌زدایی بعضاً موجب از بین رفتن بذر و نطفه‌های ایمان دینی می‌گردد؛ ثانیاً برخاسته از «ابدال» و تحول معنایی آن به فردگرایی پروتستانی یا لیبرال و فردی شدن‌های صوری دنیای مدرن است (همان: ۱۶۲).

^۱ Utilitarian Individualism

^۲ Expressive Individualism

پیدایش سبک زندگی عرفی شده

تغییر و نوظهوری ارزش‌ها و سبک‌های زندگی و تفکر، عمدتاً و اساساً ویژگی‌های نسل‌هایی هستند که پی در پی به ظهور می‌رسند؛ چنانکه ما نه‌ایم در خصوص جریان‌های تغییر اجتماعی و تحول آگاهی و ارزش‌ها طی نسل می‌نویسد: آگاهی حقیقی، اساساً به وسیله روندها و جریان‌های تحول اجتماعی و فکری به ظهور می‌رسد. هر یک از این روندها و جریان‌ها نگرش‌های اساسی خاصی را تکامل می‌بخشند که فراتر از تغییر نسل‌ها هستند و به عنوان اصولی پایدار^۵ علی‌رغم تغییر مستمر- زیربنای توسعه اجتماعی و تاریخی به شمار می‌روند. به علاوه، نسل‌های جدیدی که پی در پی ظاهر می‌شوند، نیز آگاهی‌ها و ایده‌های نسلی خود را بر آگاهی‌های کلی ثابتی که مربوط به نظام‌های فکری قطبی مختلف هستند، تحمیل می‌کنند. در نظر ما نه‌ایم، جامعه بشری به طور عادی، دارای تغییر و تحولی تدریجی و ناپایدا، اما اساسی و جدی است که حاصل آن، ظهور نسل‌هایی با ایده‌ها و تفکراتی جدید است؛ نسل‌های نوعی که ایده‌ها و ارزش‌های خود را به عنوان چیزی برتر بر ذخیره اصول و ارزش‌های مربوط به جریان‌های موجود ایدئولوژیک و فکری می‌افزایند و به تعبیر دیگر، دست به باز تعریف افکار و ایدئولوژی‌های رایج می‌زنند.

ارزش‌ها در رویکرد جامعه شناختی ما نه‌ایم، متغیری وابسته و در عین حال مستقل به شمار می‌آیند؛ یعنی از یک سو وابسته به شرایط اجتماعی و تاریخی دوره‌های مختلف هستند و از سوی دیگر، به عنوان متغیر مستقل در تغییر اجتماعی به دو صورت نقش بازی می‌کنند: اولاً، به عنوان نظام‌های ارزشی مستقر، پاسخ‌های کانالیزه شده و مشخص افراد و

نهادهای در حیات اجتماعی را ممکن می‌سازند و در خدمت تحقق جریان‌ها و روندهای اجتماعی قرار می‌گیرند و ثانیاً، به منزله پایه برای نوآوری‌های ارزشی بعدی عمل کرده، برای نسل‌های پی در پی در حال ظهور، امکان‌نوسازی و ارزش‌گذاری مجدد بر رویه‌های فکر و عمل موجود و تولید سبک‌های زندگی جدیدتر را به صورت تدریجی و ترکیبی فراهم می‌سازند و از این طریق، تغییر اجتماعی را هموار می‌سازند.

اگر در دوره مدرن شاهد ثبات و عدم تحرک فرهنگی بودیم، در شرایط فرامدرن شاهد دورگه سازی جهان وطنانه خواهیم بود. در چنین وضعیتی، هویت‌های اجتماعی سیال‌تر از گذشته می‌شوند و انسان‌ها هویت خود را در جریان آزمایش و خطا و چهل تکه سازی و نه از طریق پذیرش آنچه که از گذشتگان به آنها رسیده است، می‌سازند.

جامعه ایرانی عرصه تنازع و برخورد جریان‌های گوناگون و گاه متباین فرهنگی است. تحولات فرهنگی جهانی در تعامل با تحولات اجتماعی ایران، سبک‌های زندگی ایرانی را نخست متنوع و دوم دگرگون‌پذیر و ناپایدار ساخته است. جامعه ایرانی عرصه رقابت سبک‌های زندگی گوناگون برای تحمیل «تعریف مشروع و معیار» از زندگی است.

بدون شک، همه گروه‌های اجتماعی کم و بیش تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن قرار گرفته و خواهند گرفت، اما جوانان بیش از هر گروه اجتماعی دیگری از این فرآیند تأثیر می‌پذیرند و بیش از هر گروه دیگری نیز بر روی این فرآیند تأثیر می‌گذارند. هر چند فرهنگ جوانان پدیده‌ای پیچیده است، اما شناخت آن برای درک آینده جهانی شدن ضرورت دارد. منظور از فرهنگ جوانان این است که یک

می‌گردد و مهمترین جلوه آن کاهلی در پابندی به فرمان‌های دینی است. بی‌توجهی به نواهی دینی که به عنوان یکی از شاخص‌های عرفی شدن فرد شناخته شده است، یک منشأ عمده دارد و آن بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی در انجام تکالیف مورد انتظار دین به سبب زائل شدن اعتقاد به درستی و اثربخشی آن است.

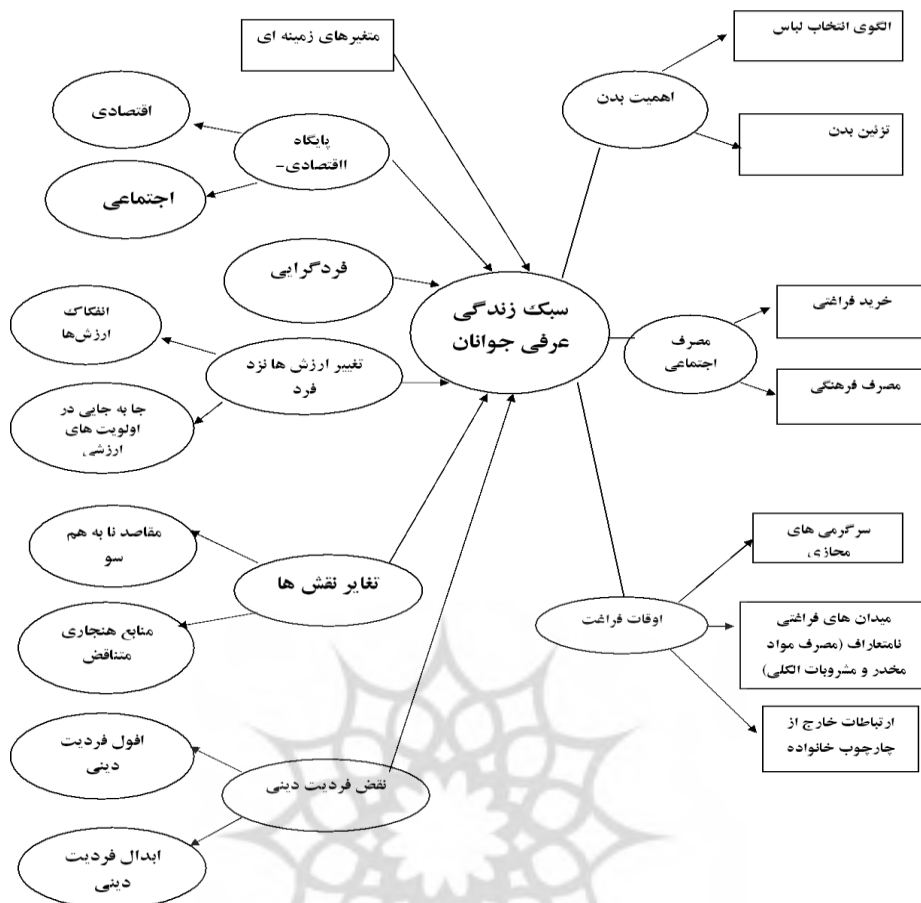
فرضیات تحقیق

- بین میزان فردگرایی در افراد و سبک زندگی عرفی آنها رابطه وجود دارد.
- بین میزان نقض فردیت دینی در افراد و سبک زندگی عرفی آنها رابطه وجود دارد.
- بین میزان تغییر ارزش‌ها نزد فرد و سبک زندگی عرفی آنها رابطه وجود دارد.
- بین میزان تغایر نقش‌ها در افراد و سبک زندگی عرفی آنها رابطه وجود دارد.
- بین سن و سبک زندگی عرفی رابطه وجود دارد.
- بین جنس و سبک زندگی عرفی رابطه وجود دارد.
- بین وضعیت تأهل و سبک زندگی عرفی رابطه وجود دارد.
- سبک زندگی عرفی افراد بالاتر از حد متوسط است.
- بین سبک زندگی عرفی افراد و سایر متغیرها (سن، فردگرایی، تغییر ارزش‌ها و تغایر نقش‌ها) رابطه وجود دارد.

منظومه فرهنگی واحد، همه افراد ۱۵ تا ۳۰ سال در تمامی طبقات اجتماعی را به خود جذب می‌کند. به عبارت دیگر، گروه‌هایی از جوانان که وجهه مشخصه آنان باورها، ارزش‌ها و هنجارهای خاص آنها در مقابل فرهنگ مسلط یا نظم اجتماعی حاکم است، فرهنگ آنها را تشکیل می‌دهد. بروز این فرهنگ را می‌توان در سبک، کنش، ذائقه و سبک زندگی جوانان مشاهده کرد.

علایم و نشانه‌های موجود گویای تمایل و توانایی جوانان به تلفیق دنیا‌های متفاوت است. بخشی از جوانان امروز در حال تلفیق «مسجد و ماهواره» هستند و ظاهراً با این تلفیق احساس انومی، تضاد و تناقض هم نمی‌کنند. فرآیند اختلاط فرهنگی در دو دهه گذشته رو به رشد بوده و «علاق نظری را نیز به خود جلب کرده است؛ به طوری که مفاهیمی چون چهل تکه سازی و دورگگی را جایگزین مفاهیمی، چون امپریالیسم فرهنگی، آمریکایی شدن و مک دونالدی شدن کرده است.» چنین وضعیتی خاص جامعه ایرانی نیست و در بسیاری از کشورهای در حال گذار یا در حال توسعه، نشانه‌هایی از این چهل تکه سازی فرهنگی را می‌توان دید.

پیرو تحولاتی که به ذهن و احساس انسان جدید عارض می‌گردد، دگرگونی‌هایی نیز در مناسبات او با جهان هستی، با طبیعت و جامعه پدید می‌آید. یکی از تجلیات عرفی شدن از این منظر، قانع شدن بشر به حیات تهی از معنا و دل‌کندن از معنویت و عشق در ازای پناه جستن به لذایذ آنی و نفسانی است. آشکارترین تجلیات عرفی شدن در رفتار افراد نمایان



مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش، یک بررسی پیمایشی، از نظر هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر (شهر اصفهان) و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است؛ به طوری که روش گردآوری داده‌ها نیز به صورت پرسشنامه‌ای بوده و در آن برای اندازه‌گیری متغیرها از سؤال و برای اندازه‌گیری سازه‌ها از طیف لیکرت استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه جوانان شهر اصفهان است که تعداد آنها در سال ۱۳۸۵، ۵۵۱۶۵۳ نفر بوده است. شیوه نمونه‌گیری در این

تحقیق سهمیه‌ای^۲ و بر اساس مناطق شهرداری اصفهان و سن افراد (۲۹-۱۵ سال) بوده است. تعداد حجم نمونه براساس فرمول کوکران با بیشترین حجم (دقت برآورد $d=0/05$ ، حداکثر واریانس $pq=0/25$ و سطح اطمینان ۹۵ درصد) مشخص شده که با توجه به فرمول زیر حدود ۳۸۵ نفر تعیین شده است.

$$n = \frac{t^2 \frac{pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} (t^2 \frac{pq}{d^2} - 1)}$$

تعداد حجم نمونه براساس تعداد و درصد جوانان در هر یک از مناطق چهارده گانه محاسبه و تعداد پرسشنامه مقتضی بر حسب درصد جوانان و با تقسیم

² Quota sampling

¹ Applied

هر منطقه به قسمت‌های شمالی، جنوبی، غربی، شرقی و مرکزی و تعیین خیابان‌ها و کوچه‌های اطراف، بین جوانان توزیع شده است.

ارتباط اجتماعی با آنها، حتی در ساده‌ترین شکل آن دست می‌زنند. ابعاد سبک زندگی عبارتند از:

اهمیت بدن

الف) الگوی انتخاب لباس: حضور فردی و روزمره جوانان جهان وطن در حوزه عمومی، که علی‌رغم تلاش متولیان امور جوانان در جهت پرورش آنها بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی تعریف دیگری از بهنجاری و زندگی خوب دارند، همواره با نوعی چانه‌زنی با فرهنگ رسمی همراه بوده است. نتیجه این چانه‌زنی‌ها درجاتی از به اصطلاح «بدحجابی» یا «بدپوششی» جوانان در جامعه است.

ب) تزئین بدن: بازتابی بودن هویت و کنترل شکل‌های هویت به وسیله تنظیم یا کنترل بدن به مثابه حامل خویشتن در دوره اخیر مدرنیته به عنوان روشی برای کسب تمایز در سبک‌های زندگی مرکزیت یافته است.

تعاریف نظری و عملی متغیر وابسته و ابعاد آن

در این پژوهش، گویه‌های سبک زندگی عرفی شده در سه بعد اهمیت بدن، مصرف و اوقات فراغت بررسی می‌گردد. این گویه‌ها با توجه به یک اصل اساسی که به ارتباط اجتماعی بین افراد مربوط می‌شود، مطرح شده‌اند. بسیاری از افراد جامعه در ارتباط با یکدیگر در ابعاد گوناگون سبک زندگی، به علت آن که این زمینه‌ها را مربوط به زندگی خصوصی و شخصی افراد می‌دانند، به خود اجازه اظهارنظر نمی‌دهند و حتی اگر سبک زندگی آنها مغایر با اصول پذیرفته شده خود و جامعه هم باشد، چه بسا با آنها ارتباط هم برقرار می‌کنند. در مقابل، افرادی را می‌بینیم که نه تنها با این ناهنجاری‌های اجتماعی مقابله و گاهی برخورد می‌کنند بلکه به قطع

جدول ۳- ابعاد و گویه‌های تشکیل دهنده اهمیت بدن

متغیر	ابعاد	گویه
اهمیت بدن	الگوی انتخاب لباس	اخلاق دوستانم برایم بسیار مهمتر از پوشش آنهاست.
		مدگرایی جزء جدایی ناپذیر زندگی جوانان است.
تزئین بدن	الگوی انتخاب لباس	جوان‌ها را باید نسبت به انتخاب لباس متناسب با شأن ایرانی تشویق کرد.
		مهم باطن آدم‌هاست، نه پوشش و ظاهر آنها.
		اغلب به دنبال دوستی با جوانانی هستم که به روز لباس می‌پوشند.
		پوشش افراد در جامعه یک امر شخصی است و دیگران حق اظهارنظر ندارند.
تزئین بدن	اهمیت بدن	افرادى که تناسب اندام دارند، ازدواج‌های موفق‌تری دارند.
		به هر حال، بخشی از مقبولیت اجتماعی جوانان با تزئین بدن (استفاده از ژل مو، لاک، آرایش صورت و ...) در بیرون از منزل به دست می‌آید.
		اگر دوستانم بخواهند به هر نحوی زیباتر شوند، از نظر من اشکالی ندارد؛ این حریم شخصی آنهاست.
		به نظرم آرایش تند همکارانم در محیط اداره باعث کاهش راندمان کاری می‌شود.
تزئین بدن	اهمیت بدن	دوستانم با لباس‌های مد روز زیباتر به نظر می‌رسند.
		لازم نیست افرادی را که جراحی‌های زیبایی انجام می‌دهند، با بیان ضررهای (یا خطرهای) احتمالی کارشان منصرف نمود.

مصرف

فعالیت‌های فراغت و الگوهای مصرف، از اصلی‌ترین شاخص‌های مورد استفاده در مطالعات سبک زندگی است و فرد را درگیر مسایلی می‌کند که به فراخور تمایل اوست و ارزش‌ها و منابع مالی و پایگاه اجتماعی او را در زمره همتایان خود قرار می‌دهد.

الف) خرید فراغتی: از آنجا که خرید در فرهنگ مصرفی بسیار حائز اهمیت است و جنبه فراغتی و تفریحی به خود می‌گیرد، به عنوان یکی از شاخص‌های سبک زندگی مطرح می‌شود.
ب) مصرف فرهنگی: مصرف فرهنگی در کنار

جدول ۴- ابعاد و گویه‌های تشکیل‌دهنده مصرف

متغیر	ابعاد	گویه
مصرف	مصرف فرهنگی	خرید پس‌انداز برای جوانان یک امر ضروری است و تشویق یکدیگر به این امر بسیار سودمند است.
		فراغتی جوان‌ها آن قدر عاقل هستند که خود تشخیص دهند چه کالایی را واقعاً نیاز دارند.
مصرف	مصرف فرهنگی	خریدهای تفننی (یافراغتی) از ویژگی‌های دوران جوانی است و نباید نسبت به آن سخت‌گیری کرد.
		هرگاه دوستانم برای تفریح به خرید می‌روند، آنها را همراهی نمی‌کنم.
مصرف	مصرف فرهنگی	هرگاه دوستانم چت می‌کنند، با آنها همراه نمی‌شوم، چون چت چیزی جز هدر دادن وقت نیست.
		باید با افرادی که به توزیع فیلم‌های نامناسب (یا غیر اخلاقی) اقدام می‌کنند، برخورد جدی کرد.
		اگر لازم باشد در مورد تماشای ماهواره به جوانان تذکر داده شود، این وظیفه خانواده جوان است؛ به دیگران ربطی ندارد.
		از نظر من آزادی استفاده از ماهواره بلامانع است.

اوقات فراغت

تجربه رابطه با جنس مخالف را نشان می‌دهد

الف) سرگرمی‌های مجازی: سرگرمی‌های مجازی علاقه جوانان به مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های مدنی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.
ب) میدان‌های فراغتی نامتعارف: به مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی توسط جوانان و دیدگاه دیگران در این خصوص اشاره دارد.

پایایی ابزار اندازه‌گیری

پایایی سؤال‌های پرسشنامه بر اساس آزمون آلفای کرونباخ تعیین شده است. مقدار آلفا در دامنه ۰-۱ است؛ به طوری که از طریق این ضریب به پایداری درونی گویه‌ها پی برده می‌شود. طبق اطلاعات جدول ۶ ملاحظه می‌شود که پایایی سؤال‌ها و گویه‌های مورد بررسی دارای پایایی لازم هستند و از این رو، توصیف و آزمون سازه‌ها و ابعاد آنها از نظر علمی معتبر است.

ارتباطات خارج از چارچوب ازدواج: شامل دو بعد ذهنی و عینی است. بعد ذهنی به تساهل جنسی و تفکیک جنسی تقسیم می‌شود و نگاه فرد را نسبت به رابطه با جنس مخالف نشان می‌دهد و بعد عینی،

جدول ۵- ابعاد و گویه‌های تشکیل دهنده اوقات فراغت

متغیر	ابعاد	گویه
سرگرمی‌های مجازی		جوانانی که حضور در جمع‌های خانوادگی و دوستانه را به سرگرمی‌های مجازی (یا وب‌گردی) ترجیح می‌دهند، در زندگی بسیار موفق‌تر هستند.
		اعتماد به سرگرمی‌های مجازی (یا اینترنت) باعث مزوی شدن جوانان می‌شود. اهمیت زیاد به فضای مجازی مانند استفاده از رایانه، باعث کاهش نقش خانواده‌ها در زندگی جوانان می‌شود.
میدان‌های فراغتی نامتعارف		به نظر من ارتباط اجتماعی با فردی که از مشروبات الکلی استفاده می‌کند، اشکالی ندارد.
		اگر همکارم از مشروبات الکلی یا مواد مخدر استفاده کند، تا آنجایی که به روابطمان لطمه نزند، با او برخورد نمی‌کنم.
ارتباطات خارج از چارچوب ازدواج		مهم نیست دوستانم از مواد مخدر یا مشروبات الکلی استفاده می‌کنند؛ مهم آن است که مرا آلوده نکنند.
		این که همسرم قبل از ازدواج تجربه ارتباط با جنس مخالف را داشته، مهم نیست؛ مهم ارتباط فعلی او با من است.
		از ارتباط دوستانم با جنس مخالف بسیار ناراحتم، زیرا زندگی آینده آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
		ارتباط با جنس مخالف قبل از ازدواج برای شناخت بیشتر ضروری است.

جدول ۶- ضریب آلفای کرونباخ (پایایی سازه‌های پژوهش)

ردیف	سازه‌ها و ابعاد	تعداد گویه‌ها	میزان آلفا
۱	فردگرایی	۶	۰/۷۱۹
۲	نقض فردیت دینی	۶	۰/۶۶۴
۳	تغییر ارزش‌ها نزد فرد	۷	۰/۷۲۵
۴	تغییر نقش‌ها	۱۰	۰/۶۵۹
۵	اهمیت بدن	۱۲	۰/۷۰۲
۶	مصرف	۹	۰/۷۲۱
۷	اوقات فراغت	۹	۰/۷۴۲

یافته‌های تحقیق

نتایج توصیفی

نتایج به دست آمده در زمینه سن پاسخگویان نشان می‌دهد که کمترین تعداد نمونه مورد مطالعه مربوط به گروه سنی ۲۳-۲۱ ساله و بیشترین تعداد، در ارتباط با گروه سنی ۲۰-۱۸ ساله بوده است. از کل نمونه آماری مورد مطالعه ۴۶ درصد شهروندان مرد و

۵۴ درصد، زنان بوده‌اند. در ارتباط با وضعیت تأهل پاسخگویان، بیشترین تعداد نمونه آماری (۶۹/۱ درصد) را مجردان تشکیل می‌داده‌اند. با توجه به این که جامعه آماری پژوهش، جوانان (۲۹-۱۵ سال) بوده، لذا این امر در بالا بردن تعداد مجردان نمونه‌ای تأثیرگذار بوده است. از نظر نوع شغل پاسخگویان و همسرانشان، پدر و مادر پاسخگویان، بیشترین تعداد

فردگرایی جوانان اصفهانی بالاتر از حد متوسط بوده است.

• میانگین نقض فردیت دینی برابر با $3/09$ است؛ یعنی میزان فردگرایی جوانان اصفهانی در حد متوسط بوده است.

• میانگین تغییر ارزش‌ها برابر با $3/41$ است؛ یعنی میزان فردگرایی جوانان اصفهانی بالاتر از حد متوسط بوده است.

• میانگین تغایر نقش‌ها برابر با $3/02$ است؛ یعنی میزان فردگرایی جوانان اصفهانی در حد متوسط بوده است.

نتایج آزمون فرضیات

فرضیه ۱: بین میزان فردگرایی در افراد و سبک زندگی عرفی آنها رابطه وجود دارد.

از آنجا که هر دو متغیر رتبه‌ای است، ضرایب گاما و کندال b و c مناسب است، اما چون درجه آزادی برابر ۱ است، ضریب کندال b به کار گرفته می‌شود. در این ضریب با افزایش یا کاهش یک متغیر، متغیر دیگر ثابت نمی‌ماند و این مقدار بین $+1$ تا -1 قرار دارد.

نمونه به ترتیب شامل تکنسین‌ها و دستیاران، مشاغل آزاد و خانه‌دارها بوده‌اند. از نظر وضعیت تحصیلی پاسخگویان و پدر و مادرانشان دیپلم‌ها، بیشترین تعداد بوده‌اند. از نظر میزان درآمد خانواده بیشترین پاسخگویان دارای درآمد $800-300$ هزار تومان بوده‌اند. از نظر وضعیت مسکن، بیشترین تعداد نمونه را مالکان تشکیل می‌دادند. از نظر ارزش تقریبی مسکن بیشترین تعداد دارای ارزش $200-50$ میلیون تومان بوده‌اند. از نظر ارزش تقریبی اتومبیل بیشترین تعداد دارای ارزش $15-5$ میلیون تومان بوده‌اند.

• برای اندازه‌گیری سبک زندگی عرفی که متغیر وابسته تحقیق بوده، از 30 گویه استفاده شده است.

نتایج توصیفی نشان می‌دهد که جوانان اصفهانی از مجموع سه بعدی که سبک زندگی عرفی آنها را تشکیل می‌دهد، میانگین $3/51$ به دست آورده‌اند که نشان دهنده سبک زندگی عرفی در حد متوسط رو به بالاست. همچنین، نتایج توصیفی تحقیق نشان می‌دهد که در بین ابعاد سبک زندگی عرفی، جوانان اصفهانی پایین‌ترین میانگین را در بعد اوقات فراغت به دست آورده‌اند و در بعد مصرف، بیشترین میانگین را نسبت به سایر ابعاد به دست آورده‌اند.

• میانگین فردگرایی برابر با $4/86$ است؛ یعنی میزان

جدول ۷- نتایج آزمون ضریب تاو- کندال b بین فردگرایی و سبک زندگی عرفی

متغیر	ضریب	سطح معناداری	تعداد مشاهدات
فردگرایی و سبک زندگی عرفی	$0/200$	$0/002$	۳۸۵

متغیر بسیار پایین است، لذا می‌توان رابطه بین این دو را پذیرفت. بنابراین، فرضیه ۱ پذیرفته می‌شود.
فرضیه ۲: بین میزان نقض فردیت دینی در افراد و عرفی شدن سبک زندگی آنها رابطه وجود دارد.

با توجه به جدول فوق، می‌توان به این نتیجه رسید که بین فردگرایی و سبک زندگی عرفی رابطه وجود دارد. مقدار Sig برابر با $0/002$ و کمتر از مقدار $0/05$ (Cut Point) است و بیانگر این مطلب است که مقدار خطا در صورت پذیرش رابطه بین دو

جدول ۸- نتایج آزمون ضریب تاو- کندال b بین نقض فردیت دینی و سبک زندگی عرفی

متغیر	ضریب	سطح معناداری	تعداد مشاهدات
نقض فردیت دینی و سبک زندگی عرفی	۰/۰۳۴	۰/۵۰۸	۳۸۵

درصد دچار خطا شده‌ایم، لذا نمی‌توان رابطه بین این دو را پذیرفت. بنابراین، فرضیه ۲ رد می‌شود. فرضیه ۳: بین میزان تغییر ارزش‌ها نزد فرد و سبک زندگی عرفی آنها رابطه وجود دارد.

با توجه به جدول فوق، می‌توان به این نتیجه رسید که بین نقض فردیت دینی و سبک زندگی عرفی رابطه‌ای وجود ندارد. مقدار Sig برابر با ۰/۵۰۸ و بیشتر از مقدار ۰/۰۵ (Cut Point) است و بیانگر این مطلب است که در صورت پذیرش این فرضیه، ۵۰

جدول ۹- نتایج آزمون ضریب تاو- کندال b بین تغییر ارزش‌ها نزد فرد و سبک زندگی عرفی

متغیر	ضریب	سطح معناداری	تعداد مشاهدات
تغییر ارزش‌ها نزد فرد و سبک زندگی عرفی	-۰/۰۶۳	۰/۲۲۹	۳۸۵

درصد دچار خطا شده‌ایم، لذا نمی‌توان رابطه بین این دو را پذیرفت. بنابراین، فرضیه ۳ رد می‌شود. فرضیه ۴: بین میزان تغییر نقش‌ها در افراد و عرفی شدن سبک زندگی آنها رابطه وجود دارد.

با توجه به جدول فوق، می‌توان به این نتیجه رسید که بین تغییر ارزش‌ها و سبک زندگی عرفی رابطه وجود ندارد. مقدار Sig برابر با ۰/۲۲۹ و بیشتر از مقدار ۰/۰۵ (Cut Point) است و بیانگر این مطلب است که در صورت پذیرش این فرضیه، تقریباً ۲۳

جدول ۱- نتایج آزمون ضریب تاو- کندال b بین تغییر نقش‌ها و سبک زندگی عرفی

متغیر	ضریب	سطح معناداری	تعداد مشاهدات
تغییر نقش‌ها و سبک زندگی عرفی	۰/۲۶۵	۰/۰۰۰	۳۸۵

متغیر بسیار پایین است، لذا می‌توان رابطه بین این دو را پذیرفت. بنابراین، فرضیه ۴ پذیرفته می‌شود. فرضیه ۵: بین سن و عرفی شدن سبک زندگی آنها رابطه وجود دارد.

با توجه به جدول فوق، می‌توان به این نتیجه رسید که بین تغییر نقش‌ها و سبک زندگی عرفی رابطه وجود دارد. مقدار Sig برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از مقدار ۰/۰۵ (Cut Point) است و بیانگر این مطلب است که مقدار خطا در صورت پذیرش رابطه بین دو

جدول ۱۱- نتایج همبستگی پیرسون بین سن و سبک زندگی عرفی

متغیر	سبک زندگی عرفی	سن
ضریب همبستگی	۱	-۰/۰۱۸
سطح معناداری	۰	۰/۷۱۸
تعداد مشاهدات	۳۸۵	۳۸۵
سن	۰/۷۱۸	-۰/۰۱۸
سطح معناداری	۰	۰/۷۱۸
تعداد مشاهدات	۳۸۵	۳۸۵

شویم. منظور از تفاوت معنادار این است که تفاوت، ناشی از خطای نمونه‌گیری نیست، بلکه ناشی از واقعیت‌های جامعه آماری است. این تفاوت در دو حالت معنادار می‌شود: یکی این که ضریب از صفر فاصله بگیرد و دیگر این که تعداد نمونه به اندازه کافی زیاد باشد. سطح معناداری به ما کمک می‌کند تا فرضیه را آزمون و به دنبال آن تأیید یا رد کنیم. فرضیه ۶: بین جنس و سبک زندگی عرفی رابطه وجود دارد.

از آنجا که سن، یک متغیر فاصله‌ای است، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده می‌کنیم. با توجه به جدول فوق، مشاهده می‌شود که رابطه این دو متغیر، منفی است، به عبارت دیگر، با بالا رفتن سن، سبک زندگی عرفی کاهش می‌یابد و جوانان سبک زندگی عرفی تری دارند. از طرف دیگر، با توجه به Sig حاصل به این نتیجه می‌رسیم که تفاوت معنادار است و فرضیه تحقیق، تأیید می‌شود؛ یعنی در صورت رد فرضیه صفر، ۰/۰۰۱ احتمال دارد که دچار خطا

جدول ۱۲- نتایج آزمون ضرایب فی و کرامر بین جنس و سبک زندگی عرفی

متغیر	ضریب فی	ضریب کرامر	سطح معناداری	تعداد مشاهدات
جنس و سبک زندگی عرفی	۰/۱۴۶	۰/۱۴۶	۰/۰۱۶	۳۸۵

نشان داده شده است. با توجه به sig حاصل به این نتیجه می‌رسیم که تفاوت معنادار است و فرضیه تحقیق، تأیید می‌شود؛ یعنی در صورت رد فرضیه صفر، ۰/۰۱۶ احتمال دارد که دچار خطا شویم. فرضیه ۷: بین وضعیت تأهل و سبک زندگی عرفی رابطه وجود دارد.

متغیر عرفی شدن سبک زندگی، یک متغیر رتبه‌ای و متغیر جنس، اسمی است. لذا می‌توان از ضرایب فی و کرامر استفاده کرد. از آنجا که ضریب آزادی بزرگتر از یک است، ضریب کرامر مناسبتر است. در جدول فوق، رابطه بین دو متغیر جنس و سبک زندگی عرفی با استفاده از ضرایب فی و کرامر،

جدول ۱۳- نتایج آزمون ضرایب فی و کرامر بین وضعیت تأهل و سبک زندگی عرفی

متغیر	ضریب فی	ضریب کرامر	سطح معناداری	تعداد مشاهدات
وضعیت تأهل و سبک زندگی عرفی	۰/۱۲۶	۰/۰۸۹	۰/۱۸۹	۳۸۵

است. $H_0 : \mu = 3$ $H_1 : \mu > 3$
 برای آزمون این فرضیه، از آزمون T استفاده می‌شود. پیش از آزمون، باید حتماً میانگین برای متغیر مذکور محاسبه شود. در ادامه، برای هر یک از شاخص‌های سبک زندگی عرفی هم آزمون T انجام شد تا مشخص شود کدام یک بالاتر یا پایین‌تر از حد متوسط است. با توجه به میانگین به دست آمده، مشخص می‌شود که سبک زندگی افراد، پایین‌تر از حد متوسط (۲/۱۶۳۶) است. پس فرضیه تحقیق رد می‌شود. در مورد شاخص‌های سبک زندگی عرفی هم می‌توان به این نتیجه رسید که همگی کمتر از حد متوسط هستند.

متغیر عرفی شدن سبک زندگی، یک متغیر رتبه‌ای و متغیر وضعیت تأهل، اسمی است. لذا می‌توان از ضرایب فی و کرامر استفاده کرد. از آنجا که ضریب آزادی بزرگتر از یک است، ضریب کرامر مناسبتر است. در جدول فوق، رابطه بین دو متغیر وضعیت تأهل و سبک زندگی عرفی با استفاده از ضرایب فی و کرامر، نشان داده شده است. با توجه به sig حاصل به این نتیجه می‌رسیم که تفاوت معنادار نیست و فرضیه تحقیق، رد می‌شود؛ یعنی در صورت تأیید فرضیه تحقیق، ۰/۱۸۹ احتمال دارد که دچار خطا شویم.
 فرضیه ۸: سبک زندگی عرفی افراد، بالاتر از حد متوسط

جدول ۱۴- نتایج توصیفی آزمون تفاوت میانگین شاخص‌های سبک زندگی عرفی

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین
سبک زندگی عرفی	۳۸۵	۲/۱۶۳۶	۰/۳۷۷۳۹	۰/۰۱۹۲۳
اهمیت بدن	۳۸۵	۲/۲۵۷۱	۰/۵۰۴۰۰	۰/۰۲۵۶۹
مصرف	۳۸۵	۲/۲۲۶۰	۰/۴۳۷۰۲	۰/۰۲۲۲۷
اوقات فراغت	۳۸۵	۲/۰۹۳۵	۰/۴۲۸۸۸	۰/۰۲۱۸۶

برای متغیر سبک زندگی عرفی برابر با ۲/۱۶، برای متغیر اهمیت بدن برابر با ۲/۲۶، برای متغیر مصرف برابر با ۲/۲۲، برای متغیر اوقات فراغت برابر با ۲/۰۹ و در همه موارد کمتر از ۳ است.

جدول فوق نشان می‌دهد که اگر حد متوسط را ۳ در نظر بگیریم، میانگین سبک زندگی عرفی و شاخص‌هایش (اهمیت بدن، مصرف، اوقات فراغت) کمتر از حد متوسط است. به عبارت دیگر، میانگین

جدول ۱۵- نتایج استنباطی آزمون تفاوت میانگین شاخص‌های سبک زندگی عرفی

متغیر	مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان	حد پایین	حد بالا
سبک زندگی عرفی	-۶۹/۴۸۱	۳۸۴	۰/۰۰۰	-۱/۳۳۶۴	-۱/۳۷۴۲	-۱/۲۹۸۵	
اهمیت بدن	-۴۸/۳۸۶	۳۸۴	۰/۰۰۰	-۱/۲۹۳۴	-۱/۲۹۳۴	-۱/۱۹۲۴	
مصرف	-۵۷/۲۰۱	۳۸۴	۰/۰۰۰	-۱/۳۱۷۸	-۱/۳۱۷۸	-۱/۲۳۰۲	
اوقات فراغت	-۶۴/۳۴۷	۳۸۴	۰/۰۰۰	-۱/۴۴۹۵	-۱/۴۴۹۵	-۱/۳۶۳۵	

درصد از مقدار ۱/۳۷۴۲- کوچکتر و از مقدار ۱/۲۹۸۵- بزرگتر نخواهد بود.

فرضیه ۹: بین سبک زندگی عرفی و سایر متغیرها (سن، فردگرایی، نقض فردیت دینی، تغایر نقش‌ها، تغییرارزش‌ها) رابطه وجود دارد.

با استفاده از رگرسیون چند متغیره می‌توان فرضیه فوق را آزمود. مطابق جداول ذیل می‌توان به این نتیجه رسید که سبک زندگی عرفی با متغیرهای فردگرایی و تغایر نقش‌ها و تغییر ارزش‌ها رابطه معناداری دارد. ارتباط سبک زندگی عرفی با سایر متغیرها نیز در جدول سوم گنجانده شده است.

در جدول فوق، مقدار t نشان دهنده آماره آزمون است. هر چقدر قدر مطلق t بزرگتر شود، مقدار sig کوچکتر می‌شود. Sig سطح معناداری را نشان می‌دهد که در همه متغیرها برابر با صفر شده است. با توجه به فاصله اطمینان برای تفاوت میانگین‌ها نیز می‌توان آزمون فرض کرد. فاصله اطمینان همیشه دو حد دارد: حد پایین و حد بالا. برای مثال، در متغیر سبک زندگی عرفی، فاصله اطمینان ۹۵ درصد به ما می‌گوید که اگر بار دیگر از همین جامعه، یک نمونه ۳۸۵ نفری بگیریم و مجدداً تفاوت میانگین نمونه‌ای را با مقدار ۳ محاسبه کنیم، این تفاوت با اطمینان ۹۵

جدول ۱۶- نتایج ضریب تعیین سبک زندگی عرفی بر اساس رگرسیون گام به گام

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین خالص	خطای برآورد معیار
۰/۱۱۰	۰/۳۳۱	۰/۰۹۸	۰/۳۵۸

می‌آید که در اینجا برابر با ۰/۶۷؛ یعنی منبع ۷۴ درصد از واریانس متغیر وابسته ناشناخته است. ۳۳ درصد از واریانس متغیر وابسته تحت تأثیر واریانس متغیرهای مستقل است.

در جدول فوق، مقادیر ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین نشان داده شده است. این جدول، یک جدول توصیفی تلقی می‌شود. در اینجا ضریب تعیین برابر با ۰/۳۳۱ است. ضریب عدم تبیین یا خطا از طریق کم کردن این عدد از ۱ به دست

جدول ۱۷- تحلیل واریانس برای آزمون معنی‌داری شکل رگرسیونی

شکل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig
رگرسیون	۵/۹۹۳	۵	۱/۱۹۹	۹/۳۲۸	۰/۰۰۰
باقیمانده	۴۸/۶۹۸	۳۷۷۹	۰/۱۲۸		
کل	۵۴/۶۹۱	۳۸۴			

پس نتیجه می‌گیریم که متغیرهای مستقل مطرح شده در این فرضیه، بر متغیر وابسته سبک زندگی عرفی اثر داشتند. این جدول، یک جدول آنالیز واریانس نیز هست.

از جدول فوق برای آزمون فرضیه صفر استفاده می‌کنیم، چرا که مقدار Sig در آن گزارش می‌شود. در اینجا با توجه به مقدار Sig که برابر با ۰/۰۰۰ شده است، فرضیه آزمون تأیید و فرضیه صفر رد می‌شود.

جدول ۱۸- ضرایب متغیرهای مستقل مربوط در شکل رگرسیونی به روش گام به گام

متغیر	ضرایب خام	ضرایب استاندارد		Sig	t
		Beta	Std.Error		
مقدار ثابت	۱/۷۰۰	-	۰/۲۰۱	۰/۰۰۰	۸/۴۶۹
فردگرایی	۰/۱۶۴	۰/۱۶۵	۰/۰۵۰	۰/۰۰۱	۳/۲۹۷
نقض فردیت دینی	-۰/۰۵۲	-۰/۰۶۲	۰/۰۴۲	۰/۲۲۰	-۱/۲۲۸
تغییر ارزش‌ها	-۰/۰۷۱	۰/۰۹۰	۰/۰۳۸	۰/۰۲۶	-۱/۸۴۲
تغایر نقش‌ها	۰/۲۲۲	۰/۲۶۴	۰/۰۴۲	۰/۰۰۰	۵/۲۴۷
سن	-۰/۰۰۳	-۰/۰۳۷	۰/۰۰۴	۰/۴۴۷	-۰/۷۶۱

جدول فوق، نتایج را به تفکیک متغیرهای مستقل گزارش می‌دهد. ستون اول، ضرایب غیر استاندارد را به ما می‌دهد. نماد اصلی پیش بینی ضرایب، غیر استاندارد است. همان طور که می‌دانیم، رگرسیون در تبیین و پیش بینی به ما کمک می‌کند. با ترکیب متغیرهای مستقل می‌توانیم نمره متغیر وابسته را برآورد کنیم. در مورد هر یک از متغیرهای مستقل، آماره t و میزان Sig به تفکیک گزارش داده شده است. با توجه به میزان Sig می‌توان گفت که بین سبک زندگی عرفی و متغیرهای مستقل فردگرایی و تغایر نقش‌ها و تغییر ارزش‌ها رابطه وجود دارد، اما با پذیرش رابطه بین سبک زندگی عرفی و سایر متغیرهای مستقل دچار میزان زیادی از خطا خواهیم شد. با توجه به بتای استاندارد شده، اثر تغایر نقش بر سبک زندگی عرفی شده برابر ۲۶ درصد، اثر فردگرایی ۱۶ درصد، اثر تغییر ارزش‌ها ۹ درصد است.

بحث و نتیجه

تعلق خاطر اصلی پژوهشگران جامعه‌شناسی در مورد دین، کارکرد آن در جامعه انسانی است و به اصطلاح «کارکرد» سهم دین^۰ یا هر نهاد اجتماعی دیگر- در ابقای جوامع انسانی و تعلقات آن راجع است. دین به

از دید توافقی جمعی درباره ماهیت و محتوای الزامات اجتماعی کمک می‌کند و این به وسیله فراهم آوردن ارزش‌هایی است که برای قرار دادن دیدگاه‌های اعضای جامعه در مجراهای معین مفیدند و برای آنها محتوای الزامات اجتماعی‌شان را تعریف می‌کنند. در این نقش، دین به خلق سیستم‌هایی از ارزش‌های اجتماعی کمک کرده که به هم پیوسته و منسجم‌اند.

مذهب به عنوان یک عامل مهم در جامعه‌پذیری و الگو‌گزینی جوانان دارای نقش اساسی است. دورکیم بیان می‌کند که باورهای مذهبی مشترک و آیین‌های ملازم با آن، چنان اهمیتی دارد که هر جامعه به مذهب مشترک یا نظامی از باورها نیاز دارد که بتواند نقش مذهب را ایفا نماید. او چنین ادعا کرد که علت بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی در جامعه‌های نوین، این است که مردم هرگونه التزام به یک نظام اعتقادی مشترک را از دست داده‌اند و به دنبال منافع خصوصی و فردی خود رفته، و هموعان خود را نادیده می‌انگارند.

جامعه ما سرشار از نمادهای مذهبی و مقدس است. شخصیت‌های اسطوره‌ای و مذهبی همانند ائمه(ع) همچنان برای مردم ارزشمند هستند. افراد همچنان به مقدسات احترام می‌گذارند. دین برای

در این پژوهش عرفی شدن ناظر به سطح فردی است؛ یعنی ما قصد سنجش جایگاه دین در نزد افراد را داشته‌ایم و عرفی شدن دین و جامعه مدنظر ما نبوده است، اگرچه این سه سطح در هم تنیده هستند و تغییر در هر سطح بر سطوح دیگر اثرگذار خواهد بود.

در مجموع، می‌توان گفت با وقوع انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی، بازسازی هویت‌های فرهنگی و سیاسی به صورت مهمترین دغدغه‌های دولت انقلابی درآمد. دولت وظیفه خود دانست که برای ایجاد جامعه مبتنی بر اخلاق اسلامی، حوزه خصوصی و عمومی حیات انسانی را کنترل کند. مذهب به عنوان مؤلفه اصلی هویت فرهنگی، نقش مهمی در بازسازی هویت فرهنگی و سیاسی ایفا نمود، بدون آنکه فرآیند نوسازی به طور کامل طرد شود.

در طول بیش از دو دهه پس از انقلاب اسلامی، نسل جوان ایرانی همواره برای هم‌نوایی تحت فشارهای داخل و بین‌المللی قرار گرفته است. آنان از یک طرف در معرض نیروهای محلی، برنامه اسلامی سازی و هویت ملی قرار گرفته‌اند و از طرف دیگر، تحت تأثیر نیروهای جهانی، جهان وطنی و هویت شخصی واقع شده‌اند. علی‌رغم تلاش متوکیان امور جوانان در جهت پرورش فرزندان انقلاب بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی، بخش نسبتاً قابل ملاحظه‌ای از جوانان ایرانی حداقل در برخی از حوزه‌های حیات اجتماعی خود، تعریف دیگری از بهنجاری و «زندگی خوب» دارند. اگر در میان جوانان «متعارف» و جوانان «فعال سیاسی» پذیرش رضای معوق به خاطر برخورداری از آینده‌ای بهتر و رهیافت ارزشی اصلی محسوب می‌شود، درمیان

غالب افراد از اهمیت بالایی برخوردار است. تجربه‌های دینی ارزشمند محسوب می‌شوند و همین طور اعتقادات دینی در سطح مناسبی قرار دارند. در قلمرو نمادهای دینی می‌توانیم بگوییم زیست-جهان ما دینی است و ما فرآیند عرفی شدن را در آن همانند سطح نهادها نمی‌بینیم. بنابراین، نمی‌توانیم بگوییم که جامعه ایران به سمت عرفی شدن تام و تمام پیش می‌رود. به لحاظ نهادی، افراد تا اندازه‌ای از نهادهای دینی اظهار استقلال می‌کنند، بویژه سلايق سیاسی و اجتماعی خود را به صدور احکام نهادهای دینی موکول نمی‌کنند. در این حوزه‌ها، که قلمرو کنش‌های عقلانی است، افراد بر اساس محاسبات عقلانی خود عمل می‌کنند. به این معنا ما در سطح فردی عرفی شده‌ایم، اما در همین سطح هم عرفی شدن مسیر کندی را طی می‌کند. در سطح نمادهای دینی، می‌توانیم بگوییم که جامعه ما عرفی نشده و حتی تا اندازه زیادی دینی است.

دین همچنان به عنوان دستورالعمل در زندگی روزمره مورد پذیرش مردم است. از سوی دیگر، نهادهای دینی در سطح سیستم و حوزه عمومی دینی در - زیست جهان فعالیت گسترده‌ای دارند. عرفی شدن در جامعه ما به معنای عقلانی شدن، تخصصی شدن و تمایز یابی ساختی - کارکردی، دیوانسالارانه شدن و خودمختاری خرده سیستم‌های جامعه از دین است.

در جامعه ایران علاوه بر دینداری، متغیر عرفی شدن نیز بسیار حائز اهمیت است، چرا که افراد به ویژه جوانان، متأثر از فرآیند نواندیشی و نوگرایی در ایران هستند و به برداشت‌های شخصی از دین در رفتارشان استناد می‌کنند. معمولاً عرفی شدن در سه سطح دین، جامعه و فرد تحلیل و بررسی می‌شود، اما

گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳). *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ دوم، تهران، محمدی، مجید. (۱۳۷۸). «شادی، سبک زندگی»، *روزنامه خرداد*، ۱۳۷۸/۳/۲۰.

Berger, Piter. L. (1967) *The Sacred Company: The Element of a Sociological Theory of Religion*. Garden City: Doubleday.

Dobbelaere, Karl (1991), *Secularization: a multi dimension concept*, *Current Sociology*.

Ketz-Gerro, Tally. Shavit, Yossi. *The stratification of leisure and taste: classes and lifestyle in Israel*. *European sociological Review*, vol. 14, No.4, 1998, pp.369-386.

Lambert, Yves (1999), *Religion in Modernity as a New Axial Age: Secularization or New Religion Forms Fall*.

Lenski, Gerhard, (1963), *The Religious Factor*, Newyork, Anchor Book.

Starck, Radney & Bainbridge, Willaim Sims, (1985), *The Future of Religion*, University of Clifornia Press.

Turner, Bryan, s. (1991), *Religion & Social Theory*, London: Sage.

جوانان عضو خرده فرهنگ «ارضای آنی» یا «لذت طلبی لحظه‌ای» جستجوی غیر مسئولانه لذت، هوس اجتماعی، مدگرایی و ماجراجویی رهیافت ارزشی اصلی به شمار می‌آید.

منابع

باکاک، رابرت. (۱۳۸۱). *مصرف*، ترجمه خسرو صبری، تهران: انتشارات شیرازه.

برگر، پیتر ال و هانسفریدکلنر. (۱۳۸۰). *ذهن بی خانمان: نوسازی و آگاهی*، ترجمه محمد ساوجی، تهران، نشر نی.

ذکائی، محمد سعید. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی جوانان ایران*، تهران: نشر آگه.

زاکرم، فیلی. (۱۳۸۴). *درآمدی بر جامعه‌شناسی دین*، ترجمه خشایار دیهیمی.

شجاعی زند، علیرضا. (۱۳۸۰). *دین، جامعه، عرفی شدن*، تهران: نشر مرکز.

_____. (۱۳۸۱). *عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

_____. (۱۳۸۵). «مسیرهای محتمل در عرفی شدن ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، ش ۱.

_____. (۱۳۸۶). «بررسی امکان همزیستی دین و مدرنیته»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۳۰.

فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*، قم: انتشارات صبح صادق.

کوزر، لوئیس. (۱۳۸۰). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.

گینز، جان آر و بوریمر. (۱۳۸۱). *سیاست پست مدرنیته*، ترجمه منصور انصاری، تهران: گام نو.